

امنیتی سازی هویت شیعی در راهبردهای امنیتی ایران در خاورمیانه (۲۰۱۹-۲۰۱۴) بر اساس مکتب کپنهاگ

صادق شاهوارپونجف آبادی، دکتر حامد محقق نیا، رضا قنوتی^۳

چکیده

این مقاله به تحلیل تأثیر هویت شیعی بر راهبردهای امنیتی ایران در خاورمیانه در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ می‌پردازد. با توجه به تحولات منطقه‌ای و تهدیدات متعدد امنیتی، ایران تلاش کرده است تا از هویت شیعی به عنوان ابزاری برای امنیت‌سازی و گسترش نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برد. ظهور گروه‌های تکفیری و افراط‌گرایی مذهبی نظیر داعش، تشدید رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی، جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن و افزایش حضور بازیگران غیردولتی شیعی در منطقه، ایران را بر آن داشت تا از هویت شیعی به عنوان ابزاری برای تأمین امنیت ملی و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برد. پژوهش حاضر از منظر مکتب کپنهاگ، که به امنیت‌سازی به عنوان فرآیندی اجتماعی و سیاسی نگاه می‌کند، تحلیل می‌کند که چگونه ایران از هویت شیعی برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های امنیتی خود استفاده کرده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهند که ایران با حمایت از گروه‌های شیعه در کشورهای عراق، سوریه، لبنان و یمن، ضمن مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و جهانی، توانسته است جایگاه امنیتی و سیاسی خود را در منطقه تقویت کند. این مقاله همچنین به تأثیرات این سیاست‌ها بر روابط ایران با کشورهای عربی سنی و غرب پرداخته و نشان می‌دهد که هویت شیعی به عنوان یک ابزار استراتژیک در سیاست خارجی و امنیتی ایران عمل کرده است.

کلمات کلیدی: هویت شیعی، امنیت‌سازی، راهبردهای امنیتی ایران، خاورمیانه، مکتب کپنهاگ.

۱. دانشجوی دکترای روابط بین الملل، اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

۲. استادیار گروه روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

Abstract

This article analyzes the impact of Shiite identity on Iran's security strategies in the Middle East during the period 2014-2019. Given regional developments and numerous security threats, Iran has attempted to use Shiite identity as a tool to secure itself and expand its regional influence. The emergence of Takfiri and religious extremist groups such as ISIS, the intensification of regional rivalries between Iran and Saudi Arabia, civil wars in Iraq, Syria, and Yemen, and the increasing presence of Shiite non-state actors in the region have prompted Iran to use Shiite identity as a tool to ensure national security and increase its regional influence. From the perspective of the Copenhagen School, which views security as a social and political process, this study analyzes how Iran has used Shiite identity to legitimize its security policies. The results of this study show that by supporting Shiite groups in Iraq, Syria, Lebanon, and Yemen, Iran has been able to strengthen its security and political position in the region while confronting regional and global threats. This article also examines the effects of these policies on Iran's relations with Sunni Arab countries and the West, and shows that Shiite identity has served as a strategic tool in Iran's foreign and security policy.

Keywords: Shiite identity, security-building, Iran's security strategies, Middle East, Copenhagen School.

مقدمه

امنیت و هویت، دو مؤلفه اساسی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی محسوب می‌شوند که در تعامل با یکدیگر، می‌توانند شکل‌دهنده راهبردهای کلان کشورها باشند. جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار در خاورمیانه، هویت شیعی را نه تنها به‌عنوان یک عنصر هویتی، بلکه به‌عنوان ابزاری راهبردی در سیاست‌های امنیتی خود مورد استفاده قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، ایران تلاش کرده است با بهره‌گیری از گفتمان شیعی، نوعی قدرت نرم و سخت در سطح منطقه‌ای ایجاد کند. این سیاست در طول دهه‌های گذشته، به‌ویژه در دوره ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، هم‌زمان با تحولات ژئوپلیتیکی گسترده در خاورمیانه، بیش‌ازپیش برجسته شده است.

ظهور گروه‌های تکفیری و افراط‌گرایی مذهبی نظیر داعش، تشدید رقابت‌های منطقه‌ای بین ایران و عربستان سعودی، جنگ‌های داخلی در عراق، سوریه و یمن و افزایش حضور بازیگران غیردولتی شیعی در منطقه، ایران را بر آن داشت تا از هویت شیعی به‌عنوان ابزاری برای تأمین امنیت ملی و افزایش نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برد. در این راستا، ایران با استفاده از دیپلماسی مذهبی، حمایت از گروه‌های شیعی منطقه و گفتمان‌سازی امنیتی، تلاش کرده است هویت شیعی را به‌عنوان یک مسئله امنیتی در سیاست‌های داخلی و خارجی خود تعریف کند. در این فرآیند، ایران نه تنها تلاش کرده است از هویت شیعی به‌عنوان سپر دفاعی در برابر تهدیدات فرقه‌ای و تروریسم تکفیری استفاده کند، بلکه این هویت را به‌عنوان یک مؤلفه تعیین‌کننده در سیاست‌های امنیتی و ژئوپلیتیک خود در خاورمیانه به کار گرفته است.

برای درک بهتر این فرآیند، این پژوهش از چارچوب نظری مکتب کپنهاگ و نظریه امنیت‌سازی بهره می‌برد. بر اساس این نظریه، امنیت‌سازی فرآیندی است که طی آن یک دولت یا بازیگر سیاسی، یک مسئله خاص را به‌عنوان تهدیدی امنیتی تعریف کرده و از این طریق، آن را از سطح مباحث عادی سیاسی فراتر برده و به‌عنوان یک مسئله وجودی مطرح می‌کند. در این چارچوب، پژوهش حاضر به تحلیل این می‌پردازد که چگونه ایران از هویت شیعی به‌عنوان یک ابزار امنیتی استفاده کرده است و این هویت چگونه در سیاست‌های امنیتی این کشور در منطقه خاورمیانه امنیتی‌سازی شده است. ایران در این مدت با بهره‌گیری از گفتمان‌های سیاسی، دیپلماسی مذهبی، و حمایت از گروه‌های نیابتی شیعی، تلاش کرده است تا هویت شیعی را به یک ابزار استراتژیک در مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی خود تبدیل کند. امنیت‌سازی هویت شیعی در این زمینه به‌ویژه در کشورهای عراق، سوریه، یمن، لبنان و افغانستان نمود یافته است و این موضوع باعث شده که ایران نقش خود را در این مناطق به‌عنوان یک بازیگر محوری در فرآیندهای امنیتی منطقه‌ای تقویت کند.

سوال و فرضیه

با توجه به مطالب مطرح شده پرسش اصلی این پژوهش این است که چگونه ایران از هویت شیعی به عنوان ابزاری برای امنیت سازی در خاورمیانه استفاده کرده است؟ برای پاسخ به این پرسش، به بررسی این مسأله پرداخته خواهد شد که چه فرآیندهایی در ایران موجب امنیتی سازی هویت شیعی شده است؟ و چه پیامدهایی این امنیت سازی برای سیاست خارجی و امنیت منطقه ای ایران به همراه داشته است؟

در این پژوهش فرض بر این است که امنیت سازی هویت شیعی در ایران به عنوان یک ابزار برای تقویت نفوذ منطقه ای و مقابله با تهدیدات امنیتی از درون و بیرون کشور، به ویژه از سوی گروه های افراطی، استفاده شده است.

روش تحقیق

این پژوهش از روش تحلیل کیفی بهره می برد و با استفاده از روش های تحلیل گفتمان و بررسی اسناد تاریخی و سیاسی، به واکاوی چگونگی امنیتی شدن هویت شیعی در سیاست های ایران خواهد پرداخت. داده های این تحقیق شامل گزارش ها، اسناد رسمی، اظهارات مقامات ایرانی، تحلیل های رسانه ای و مقالات علمی است که به بررسی دقیق تر این فرآیند کمک خواهند کرد.

در نهایت، این تحقیق تلاش می کند تا تحلیلی نوین از نقش هویت مذهبی در سیاست های امنیتی ایران ارائه دهد و با استفاده از مکتب کپنهاگ، ابعاد امنیت سازی هویت شیعی را در روند تحولات منطقه ای و راهبردهای ایران در خاورمیانه بررسی کند. پژوهش حاضر می تواند به عنوان یک مطالعه راهبردی در حوزه امنیت و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه، درک بهتری از رابطه امنیت و هویت در سیاست های ایران ارائه دهد و پیامدهای آن را برای امنیت خاورمیانه تحلیل کند.

چارچوب نظری

مکتب کپنهاگ و امنیتی سازی

مکتب کپنهاگ یکی از رویکردهای کلیدی در تحلیل امنیت است که در دهه های اخیر در مطالعات روابط بین الملل به ویژه در زمینه امنیت سازی برجسته شده است. این مکتب، که توسط گروهی از پژوهشگران برجسته نظیر باری بوزان، اوله ویور و رنه دیوید مطرح گردید، به طور ویژه بر فرآیندهای اجتماعی و گفتمانی مرتبط با مفهوم امنیت تأکید دارد. در این رویکرد، امنیت به عنوان یک مسئله ذاتی و عینی در نظر گرفته نمی شود، بلکه یک فرآیند اجتماعی است که از طریق گفتمان های سیاسی و اجتماعی ساخته و تولید می شود. بوزان، ویور و دیوید (۱۹۹۸) در نظریه امنیت سازی خود به این موضوع اشاره دارند که امنیت تنها به تهدیدات فیزیکی یا نظامی محدود نمی شود، بلکه می تواند در قالب یک مسئله اجتماعی و گفتمانی

مطرح شود. به عبارت دیگر، یک کشور یا گروه می‌تواند یک مسئله خاص را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت خود معرفی کرده و از این طریق، آن را از سطح مسائل عادی فراتر برده و به یک مسئله وجودی تبدیل کند. در این فرآیند، آن موضوع یا تهدید نه به‌طور طبیعی، بلکه از طریق سخنرانی‌ها و گفتمان‌های سیاسی به‌عنوان تهدیدی جدی معرفی می‌شود (de Wilde, 1998 & Buzan, Wæver).

این نظریه به‌ویژه در زمینه امنیت‌سازی در مناطق مختلف و به‌ویژه در سیاست‌های خارجی دولت‌ها کاربرد دارد. به‌طور خاص، ایران در سیاست‌های خود در منطقه خاورمیانه از این گفتمان برای امنیت‌سازی هویت شیعی استفاده کرده است. در این چارچوب، ایران به‌واسطه هویت شیعی خود، تهدیدات مختلف از جمله افراط‌گرایی مذهبی و تحولات منطقه‌ای را به‌عنوان تهدیدات امنیتی در نظر گرفته و در پاسخ به آن‌ها از این هویت برای تقویت موقعیت خود در منطقه استفاده کرده است. ایران با معرفی هویت شیعی به‌عنوان یک مؤلفه امنیتی، توانسته است از آن به‌عنوان ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به سیاست‌های خود در کشورهای منطقه مانند عراق، سوریه، یمن و لبنان استفاده کند. این امنیت‌سازی نه تنها به تقویت موقعیت ایران در برابر تهدیدات داخلی و خارجی کمک کرده است، بلکه به‌عنوان یک استراتژی در راستای مقابله با رقبا و دشمنان منطقه‌ای همچون عربستان سعودی و ایالات متحده آمریکا نیز عمل کرده است (Hosseini, 2015).

در این فرآیند، ایران از مفاهیم مذهبی شیعی برای ایجاد یک هویت مشترک در میان گروه‌های مختلف شیعه در کشورهای مختلف استفاده کرده و آن‌ها را به‌عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات فرقه‌ای و امنیتی معرفی کرده است. این اقدام‌ها از جمله حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی شیعی مانند حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی در عراق، و انصارالله در یمن، به‌عنوان بخشی از امنیت‌سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران مطرح می‌شود. در این راستا، ایران با استفاده از هویت شیعی به‌عنوان یک گفتمان و ابزار امنیتی، توانسته است در برابر تهدیدات فرقه‌ای و چالش‌های امنیتی در منطقه، موقعیت خود را تثبیت کرده و نفوذ خود را در کشورهای هدف تقویت کند. به‌طور مثال، ایران با حمایت از گروه‌های شیعی در سوریه، از هویت شیعی برای تقویت قدرت خود در مواجهه با بحران‌های منطقه‌ای استفاده کرده و به‌ویژه در تقویت رژیم بشار اسد نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده است (Khomeini, 1979; Tabatabai, 2013).

این امنیت‌سازی هویت شیعی نه تنها در عرصه بین‌المللی، بلکه در سطح داخلی نیز پیامدهای قابل توجهی داشته است. در سطح داخلی، ایران توانسته است از هویت شیعی برای تقویت انسجام داخلی و مقابله با چالش‌های سیاسی و اجتماعی استفاده کند. این امر به‌ویژه در برابر تهدیدات داخلی از جمله اعتراضات و بحران‌های اجتماعی که ممکن است مشروعیت نظام را تهدید کند، بسیار مؤثر واقع شده است. به‌علاوه، ایران با استفاده از گفتمان مذهبی شیعی در سطح داخلی، توانسته است پیوندهای فرهنگی و اجتماعی میان اقشار مختلف جامعه را تحکیم کند و هویت ملی خود را با هویت مذهبی شیعی ترکیب کند (Alagha, 2006).

از این‌رو، امنیت‌سازی هویت شیعی در سیاست‌های ایران نه تنها یک استراتژی برای مقابله با تهدیدات امنیتی و تقویت نفوذ منطقه‌ای به شمار می‌آید، بلکه یک ابزار مهم در گفتمان‌سازی امنیت در سطح داخلی و بین‌المللی است که ایران از آن برای مقابله با چالش‌های مختلف امنیتی بهره می‌برد. این فرآیند به‌ویژه در شرایط کنونی خاورمیانه که با بحران‌های متعدد و تهدیدات مختلف مواجه است، به‌عنوان یک استراتژی مؤثر در سیاست خارجی ایران مطرح شده و نقش مهمی در تعیین موقعیت این کشور در منطقه ایفا کرده است (Buzan, 2008).

هویت شیعی و سیاست‌های امنیتی ایران

هویت شیعی و سیاست‌های امنیتی ایران، به‌ویژه در سیاست خارجی این کشور، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در تحلیل‌های امنیتی و استراتژیک ایران شناخته می‌شود. ایران به‌عنوان کشوری با اکثریت جمعیت شیعی، از هویت مذهبی خود به‌عنوان ابزاری برای تقویت نفوذ منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی استفاده کرده است. در این راستا، سیاست‌های امنیتی ایران در خاورمیانه به‌شدت تحت تأثیر هویت شیعی قرار دارند و به‌طور ویژه در تحولات منطقه‌ای و تعاملات با کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی نمایان می‌شوند. ایران توانسته است از این هویت به‌عنوان یک منبع مشروعیت و انسجام داخلی استفاده کند و در برابر تهدیدات فرقه‌ای و امنیتی، موقعیت خود را تقویت کند.

هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران در خاورمیانه به‌طور خاص در قالب یک فرآیند امنیت‌سازی در نظر گرفته می‌شود. در این فرآیند، ایران به‌دنبال ایجاد یک شبکه منطقه‌ای از گروه‌ها و دولت‌هایی است که هویت شیعی را به‌عنوان مبنای مشروعیت خود به کار می‌برند. این شبکه شامل گروه‌های شبه‌نظامی شیعی مانند حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی در عراق، و انصارالله در یمن است که هر یک در راستای تأمین امنیت و نفوذ ایران در منطقه عمل می‌کنند. ایران با استفاده از این گروه‌ها و ایجاد یک جبهه متحد از شیعیان منطقه، سعی دارد تهدیدات امنیتی را کاهش دهد و قدرت خود را در برابر رقبا و دشمنان منطقه‌ای تقویت کند. به‌ویژه، حمایت از حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک گروه مقاومتی در برابر اسرائیل و عربستان سعودی نمونه‌ای از استفاده ایران از هویت شیعی برای تقویت امنیت منطقه‌ای و مقابله با تهدیدات خارجی است. علاوه بر این، هویت شیعی به‌عنوان یک عامل درونی نیز در سیاست‌های امنیتی ایران به کار گرفته می‌شود. در سطح داخلی، ایران از این هویت به‌عنوان یک ابزار برای تقویت انسجام اجتماعی و سیاسی استفاده کرده است. هویت شیعی موجب ایجاد پیوندهای عمیق‌تری میان حکومت و مردم شده و در برابر تهدیدات داخلی مانند بحران‌های اقتصادی و اجتماعی، به‌عنوان یک عنصر مشروعیت‌بخش به‌شمار می‌رود. این امر به‌ویژه در شرایطی که ایران با چالش‌های داخلی روبه‌رو است، اهمیت ویژه‌ای دارد. به‌طور مثال، گفتمان مذهبی شیعی به‌عنوان یک ابزار تقویت‌کننده در برابر بحران‌های سیاسی و اعتراضات اجتماعی استفاده شده است.

در سیاست خارجی، ایران با تکیه بر هویت شیعی به دنبال گسترش نفوذ خود در کشورهای خاورمیانه است. این هویت به‌ویژه در برابر رقبای و قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان سعودی و ترکیه که هویت سنی دارند، به‌عنوان یک عامل رقابتی و استراتژیک به‌کار می‌رود. ایران با استفاده از هویت شیعی در تعاملات خود با کشورهای منطقه‌ای، توانسته است نفوذ خود را در کشورهای شیعه‌نشین و حتی در میان برخی گروه‌های سنی گسترش دهد. برای مثال، حمایت از دولت بشار اسد در سوریه و گروه‌های شیعی در عراق و یمن به‌عنوان بخشی از سیاست‌های امنیتی ایران در برابر تهدیدات خارجی، به‌ویژه از سوی گروه‌های تکفیری مانند داعش، تلقی می‌شود. ایران با این سیاست‌ها در تلاش است تا جایگاه خود را به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای تثبیت کند و تهدیدات امنیتی را کاهش دهد.

در مجموع، هویت شیعی به‌عنوان یک ابزار امنیتی در سیاست‌های ایران نه تنها به‌عنوان عامل انسجام داخلی عمل کرده است، بلکه در سیاست خارجی این کشور نیز نقشی حیاتی ایفا می‌کند. ایران با استفاده از این هویت، توانسته است در برابر تهدیدات داخلی و خارجی واکنش‌های مناسبی نشان دهد و در تحولات منطقه‌ای حضور خود را تقویت کند.

امنیت‌سازی و غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی در راهبردهای امنیتی ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۹)

امنیت‌سازی و غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی در راهبردهای امنیتی ایران (۲۰۱۴-۲۰۱۹) یک مسئله پیچیده و چندوجهی است که در بستر تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تحلیل است. هویت شیعی در سیاست‌های ایران نه تنها به‌عنوان یک عامل داخلی بلکه به‌عنوان ابزاری مؤثر در سیاست خارجی و امنیت منطقه‌ای این کشور عمل کرده است. از آنجا که ایران به‌عنوان کشوری با اکثریت شیعه در منطقه خاورمیانه قرار دارد، سیاست‌های امنیتی آن همواره تحت تأثیر هویت مذهبی این کشور بوده است. امنیت‌سازی و غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹، با ظهور گروه‌های تروریستی و فرقه‌ای و همچنین درگیری‌های سیاسی در کشورهای منطقه نظیر سوریه، عراق، و یمن، به‌طور چشمگیری تغییر کرده است. ایران در این مدت، از یک سو سعی کرده است تا هویت شیعی را به‌عنوان عامل مشروعیت‌بخش و قدرت‌ساز در سطح داخلی و بین‌المللی معرفی کند و از سوی دیگر، تلاش‌هایی برای کاهش تهدیدات ناشی از این هویت در روابط بین‌المللی انجام داده است.

امنیتی‌سازی هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه در تحلیل روابط بین‌الملل و امنیت در خاورمیانه است. این فرآیند که در قالب تحلیل امنیتی مکتب کپنهاگ مورد بررسی قرار می‌گیرد، می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی پیچیده برای تقویت نفوذ ایران و مقابله با تهدیدات امنیتی منطقه‌ای و جهانی مورد مطالعه قرار گیرد. در این بخش، به تبیین تئوریک امنیتی‌سازی هویت شیعی پرداخته می‌شود.

امنیتی‌سازی هویت شیعی در چارچوب مکتب کپنهاگ

در مکتب کپنهاگ، امنیت به عنوان یک فرآیند اجتماعی و سیاسی مطرح می شود و این تئوری بر این اساس استوار است که تهدیدات امنیتی از طریق فعالیت های اجتماعی و سیاسی ساخته و پرداخته می شوند. در این نگاه، مفهوم «امنیتی سازی» به معنای تبدیل یک موضوع غیرامنیتی به یک تهدید امنیتی است که نیاز به پاسخ ها و اقدامات خاص امنیتی دارد. این فرآیند معمولاً با توجه به هویت های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی رخ می دهد که به عنوان تهدیدات یا عوامل امنیتی تعریف می شوند.

در ایران، هویت شیعی به عنوان یک مؤلفه مرکزی در این فرآیند ایفای نقش کرده است. از منظر مکتب کپنهاگ، هویت شیعی که در اساس برای جمهوری اسلامی ایران یک عنصر فرهنگی و مذهبی است، از سوی مقامات ایران به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به سیاست های داخلی و خارجی و همچنین مقابله با تهدیدات امنیتی منطقه ای و جهانی مورد استفاده قرار گرفته است. به عبارت دیگر، ایران هویت شیعی را نه تنها به عنوان یک هویت دینی و مذهبی بلکه به عنوان یک ابزار استراتژیک در جهت تقویت امنیت خود به کار گرفته است.

امنیتی سازی هویت شیعی در ایران دارای ابعاد مختلفی است که می توان آن ها را در چارچوب امنیت ملی، امنیت منطقه ای و امنیت فرهنگی تقسیم بندی کرد. در بعد امنیت ملی، هویت شیعی به عنوان یک ابزار مشروعیت بخشی برای حکومت اسلامی ایران به کار می رود. در این راستا، ایران از هویت شیعی برای تقویت انسجام داخلی، مقابله با تهدیدات خارجی و همچنین مقابله با نارضایتی های اجتماعی استفاده کرده است. این هویت به طور خاص در مقابله با تهدیدات ناشی از گروه های تکفیری و سنی گرای افراطی نظیر داعش، به عنوان ابزاری برای جلب حمایت عمومی و ایجاد جبهه متحد داخلی عمل کرده است.

در بعد امنیت منطقه ای، ایران از هویت شیعی به عنوان یک ابزار برای گسترش نفوذ خود در کشورهای مختلف خاورمیانه استفاده کرده است. با حمایت از گروه های شیعه در عراق، سوریه، لبنان و یمن، ایران توانسته است هویت شیعی را به عنوان یک عنصر مقاومتی در برابر تهدیدات خارجی مطرح کند و در عین حال، امنیت منطقه ای خود را تقویت نماید. این امر به ویژه در شرایطی که ایران با تهدیدات منطقه ای و جهانی روبه رو بوده است، اهمیت ویژه ای پیدا کرده است.

در بعد امنیت فرهنگی، هویت شیعی به عنوان یک عامل تقویت کننده وحدت فرهنگی و دینی در برابر تهدیدات فرهنگی غرب و اسرائیل و همچنین مقابله با نفوذ فرهنگ های غیرایرانی، به ویژه در کشورهای اسلامی، مطرح شده است. ایران تلاش کرده است تا با استفاده از هویت شیعی، نه تنها امنیت سیاسی بلکه امنیت فرهنگی و دینی خود را نیز حفظ کند و در برابر چالش های فرهنگی که از سوی غرب و دیگر قدرت های خارجی به ویژه در قالب جهانی سازی به وجود آمده است، مقاومت کند.

امنیتی سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران

در سیاست خارجی ایران، هویت شیعی به عنوان یکی از ارکان اصلی امنیت سازی و سیاست های خارجی این کشور مطرح است. ایران از هویت شیعی به عنوان ابزاری برای تقویت روابط با کشورهای هم پیمان شیعه و گسترش نفوذ خود در مناطق حساس و استراتژیک استفاده کرده است. در این راستا، ایران از طریق حمایت از گروه های شیعه در کشورهای مختلف، به ویژه در عراق و سوریه، توانسته است علاوه بر مقابله با تهدیدات مستقیم، موقعیت خود را در برابر رقبای منطقه ای مانند عربستان سعودی و اسرائیل تقویت کند.

از آنجا که امنیت سازی هویت شیعی بر اساس گفتمان مقاومت و مقابله با سلطه گری خارجی استوار است، ایران با تکیه بر این گفتمان، توانسته است در برابر تهدیدات خارجی به ویژه تهدیدات نظامی از سوی قدرت های جهانی و منطقه ای، به عنوان یک بازیگر مستقل و با نفوذ در منطقه ظاهر شود. به طور خاص، جمهوری اسلامی ایران از هویت شیعی به عنوان ابزاری برای تقویت جایگاه خود در برابر فشارهای خارجی و تهدیدات امنیتی استفاده کرده است.

در چارچوب مکتب کپنهاگ، تهدیدات امنیتی ساخته و پرداخته می شوند و به طور اجتماعی و سیاسی تعریف می شوند. در این فرآیند، ایران توانسته است با به کارگیری هویت شیعی به عنوان یک ابزار تهدید سازی، نه تنها تهدیدات موجود را علیه خود مقابله کند، بلکه تهدیدات جدیدی را ایجاد کرده است که به نفع سیاست های امنیتی این کشور تمام می شود. این تهدیدات به ویژه در قالب تهدیدات فرهنگی و سیاسی از سوی قدرت های منطقه ای و جهانی به وجود آمده اند. برای مثال، تهدیدات ناشی از گروه های سنی گرای افراطی و تهدیدات ناشی از سیاست های غرب به ویژه ایالات متحده، از جمله تهدیدات مهمی بوده است که ایران در برابر آن ها واکنش نشان داده است.

امنیتی سازی هویت شیعی در سیاست های امنیتی ایران نه تنها به عنوان یک فرآیند داخلی برای تقویت امنیت ملی ایران عمل کرده است، بلکه به عنوان یک استراتژی خارجی نیز برای گسترش نفوذ ایران در خاورمیانه و مقابله با تهدیدات جهانی به کار گرفته شده است. هویت شیعی در این فرآیند، به عنوان ابزاری استراتژیک برای تقویت روابط ایران با گروه های هم پیمان شیعه در منطقه و مقابله با تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی عمل کرده است. در نهایت، امنیت سازی هویت شیعی، به ویژه در راستای ایجاد و تقویت جبهه مقاومت در برابر قدرت های خارجی، یکی از ارکان اصلی سیاست های امنیتی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه است.

غیرامنیتی سازی هویت شیعی

غیرامنیتی سازی یک فرآیند است که در چارچوب نظریه مکتب کپنهاگ به عنوان معکوس امنیت سازی شناخته می شود. در امنیت سازی، یک موضوع یا پدیده به عنوان تهدیدی برای امنیت معرفی می شود و نیاز به اقدامات خاص برای مقابله با آن تهدید احساس می شود. در حالی که در غیرامنیتی سازی، تهدیدی که پیشتر به عنوان یک خطر امنیتی شناخته شده است، از دایره تهدیدات امنیتی خارج می شود و تبدیل به یک موضوع عادی و قابل حل از طریق ابزارهای غیرامنیتی می شود.

در این فرآیند، فعالان سیاسی یا دولت‌ها تلاش می‌کنند تا تهدیدات واقعی یا تخیلی که پیشتر به‌عنوان تهدیداتی جدی برای امنیت معرفی شده بودند، به‌طور عامیانه و غیرامنیتی‌شده در نظر گرفته شوند. در این صورت، دیگر نیاز به استفاده از ابزارهای نظامی و امنیتی برای مقابله با آن تهدیدات وجود ندارد و امکان بررسی و حل مسائل از طریق راه‌حل‌های دیپلماتیک و اجتماعی فراهم می‌شود.

فرآیند غیرامنیتی‌سازی

غیرامنیتی‌سازی به‌طور عمده در دو مرحله صورت می‌گیرد: مرحله اول، تغییر چارچوب و مفهوم تهدید است و مرحله دوم، کاهش اقدام‌های امنیتی و تقویت اقدامات غیرامنیتی است. در این فرآیند، موضوعی که قبلاً به‌عنوان تهدید امنیتی و نیازمند مداخلات امنیتی معرفی شده بود، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، اقتصادی یا فرهنگی در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند از طریق سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی یا دیپلماتیک حل شود.

این فرآیند از طریق گفت‌وگوها، مذاکرات و گفتمان‌های مختلف اجتماعی و سیاسی صورت می‌گیرد که در آن کنشگران سیاسی و اجتماعی تلاش می‌کنند تا تهدیدات را به‌گونه‌ای بازتعریف کنند که آن‌ها دیگر نیازمند تدابیر امنیتی نباشند. این تغییر در نگاه و نگرش به تهدیدات می‌تواند باعث کاهش استفاده از سیاست‌های جنگی و امنیتی شود و در عوض راه‌حل‌های دیپلماتیک، اقتصادی یا اجتماعی را پیش روی مسئله قرار دهد.

غیرامنیتی‌سازی در سیاست‌های ایران

در سیاست‌های ایران، هویت شیعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان امنیتی و فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، به‌ویژه در برخی مواقع، فرآیند غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی نیز در سیاست‌های ایران مشاهده می‌شود. این فرآیند زمانی رخ می‌دهد که ایران تلاش می‌کند تا از تأکید بیش از حد بر هویت شیعی به‌عنوان یک تهدید امنیتی پرهیز کند و آن را به‌عنوان یک ویژگی فرهنگی و دینی که نیاز به مقابله نظامی ندارد، مطرح کند.

برای نمونه، در روابط ایران با کشورهای عربی سنی‌مذهب و کشورهای غربی، به‌ویژه پس از توافق هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ در سال ۲۰۱۵، ایران به‌طور عمده تلاش کرد تا تصویر هویت شیعی را از یک تهدید امنیتی به یک مسئله فرهنگی و دینی بازتعریف کند. این تغییر در سیاست‌های ایران به‌ویژه در مواجهه با فشارهای جهانی و منطقه‌ای و برای جلوگیری از تشدید تنش‌ها با کشورهای سنی‌گرا و همچنین برای مقابله با انتقادهای بین‌المللی از نفوذ ایران در کشورهای منطقه‌ای بود.

در این فرآیند، ایران سعی دارد تا هویت شیعی را به‌عنوان یک بخشی از تمدن اسلامی و فرهنگ منطقه‌ای معرفی کند که در کنار دیگر اقوام و مذاهب، ظرفیت‌هایی برای هم‌زیستی و همکاری دارد و دیگر نیاز به نگرش‌های امنیتی و تهدیدآمیز

در رابطه با آن نیست. در نتیجه، ایران تلاش می‌کند که این هویت را نه تنها از زاویه تهدید بلکه از زاویه همکاری و گفتمان منطقه‌ای بازتعریف کند.

آثار غیرامنیتی‌سازی در سیاست خارجی ایران

غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روابط بین‌المللی ایران داشته باشد. زمانی که ایران قادر باشد هویت شیعی را به‌عنوان یک عامل همکاری و هم‌زیستی معرفی کند، می‌تواند در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با کشورهای مختلف همکاری داشته باشد و تنش‌های امنیتی را کاهش دهد. این امر به‌ویژه در شرایطی که ایران با تهدیدات امنیتی و اقتصادی از سوی قدرت‌های بزرگ و کشورهای رقیب منطقه‌ای روبه‌رو است، می‌تواند مفید باشد.

یکی از نمونه‌های این فرآیند، سیاست‌های ایران در سوریه است. در حالی که ایران هویت شیعی را به‌عنوان یک تهدید امنیتی برای کشورهای سنی‌مذهب در منطقه معرفی نکرد، بلکه تلاش کرد آن را به‌عنوان یک عامل مقاومت در برابر تروریسم و افراط‌گرایی معرفی کند. در این چارچوب، ایران تلاش کرد تا هویت شیعی را به‌عنوان یک نقطه قوت و نه نقطه ضعف در برابر تهدیدات خارجی معرفی کند و از آن برای جلب حمایت سایر کشورهای منطقه‌ای و حتی بین‌المللی استفاده نماید.

غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران نشان‌دهنده یک تغییر در نگرش به تهدیدات امنیتی است که به‌طور معمول از سوی برخی گروه‌ها و دولت‌ها به‌عنوان تهدیدهای جدی در نظر گرفته می‌شود. این فرآیند به ایران این امکان را می‌دهد که با کاهش تمرکز بر تهدیدات امنیتی، به مسائل فرهنگی و دینی خود از منظر همکاری و گفت‌وگو بپردازد و در عین حال روابط خود را با کشورهای دیگر بهبود بخشد. در نهایت، غیرامنیتی‌سازی هویت شیعی می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش فرصت‌های همکاری و هم‌زیستی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی منجر شود.

راهبردهای ایران در خاورمیانه (عراق، سوریه، یمن، لبنان)

ایران در سال‌های اخیر با استفاده از سیاست‌های چندگانه و پیچیده، به ویژه در کشورهای عراق، سوریه، یمن و لبنان، نفوذ خود را در منطقه خاورمیانه تقویت کرده است. این کشور در تلاش است تا از طریق حمایت‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی از گروه‌ها و دولت‌های هم‌پیمان خود، امنیت و ثبات منطقه‌ای را در راستای منافع خود تأمین کند. در ادامه به بررسی راهبردهای ایران در این کشورها پرداخته می‌شود.

در عراق، ایران از سال ۲۰۰۳ که رژیم صدام حسین سقوط کرد و آمریکا وارد این کشور شد، تلاش کرد تا روابط خود را با گروه‌های شیعه تقویت کند. پس از آن، با توجه به افزایش تهدیدات امنیتی و درگیری‌های داخلی در عراق، ایران به‌طور مستقیم از گروه‌های شیعه عراق، به‌ویژه در برابر تهدیدات داعش حمایت کرد. این حمایت‌ها شامل اعزام نیروهای شبه‌نظامی، ارسال تسلیحات و کمک‌های مالی به گروه‌های مختلف شیعی نظیر حشدالشعبی و کتائب حزب‌الله بود. این گروه‌ها نه تنها در برابر داعش مقاومت کردند، بلکه نقشی کلیدی در حفظ امنیت و ثبات در عراق داشتند. ایران همچنین در فرآیند بازسازی عراق پس از بحران‌های مختلف، پروژه‌های اقتصادی و زیرساختی زیادی را به انجام رسانده است. هدف اصلی ایران در عراق نه تنها تقویت موقعیت خود در مقابله با تهدیدات خارجی، بلکه ایجاد یک دولت مرکزی شیعه‌محور است که روابط خوبی با ایران داشته باشد.

در سوریه، ایران نقش بسیار برجسته‌ای در بحران داخلی این کشور ایفا کرده است. از زمان آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱، ایران به حمایت از دولت بشار اسد پرداخت. حمایت‌های ایران در این زمینه به‌ویژه شامل اعزام نیروهای نظامی و مشاوران به سوریه، حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی شیعه و ارسال تسلیحات و منابع مالی بوده است. ایران با همکاری با حزب‌الله لبنان و تشکیل گروه‌های مقاومت مانند فاطمیون (نیروهای افغان) و زینبیون (نیروهای پاکستانی)، توانسته است به دفاع از رژیم اسد و مقابله با گروه‌های مخالف بپردازد. ایران علاوه بر حمایت‌های نظامی، به‌طور فعال در مذاکرات سیاسی در خصوص آینده سوریه نیز مشارکت داشته و به دنبال حفظ موقعیت خود در این کشور است. این استراتژی برای ایران از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا سوریه یکی از مهم‌ترین متحدان این کشور در منطقه است و حضور ایران در این کشور به‌ویژه از طریق حزب‌الله لبنان به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر اسرائیل و دیگر تهدیدات منطقه‌ای محسوب می‌شود.

در یمن، ایران به‌طور غیرمستقیم از حوثی‌ها (انصارالله) حمایت کرده است. حوثی‌ها که از شیعیان زیدی در یمن هستند، در سال ۲۰۱۴ قدرت را در یمن به‌دست گرفتند و دولت منصور هادی را که مورد حمایت عربستان سعودی بود، به چالش کشیدند. ایران در این راستا علاوه بر حمایت‌های سیاسی، به‌طور عمده تسلیحات و کمک‌های نظامی به حوثی‌ها ارسال کرده است. این حمایت‌ها به ایران این امکان را می‌دهد که نفوذ خود را در منطقه حاشیه خلیج فارس گسترش دهد و به‌ویژه در برابر نفوذ عربستان سعودی، که به‌عنوان رقیب اصلی ایران در منطقه شناخته می‌شود، موقعیت خود را تقویت کند. ایران به‌دنبال استفاده از وضعیت یمن به‌عنوان جبهه‌ای برای مقابله با ائتلاف سعودی است و این کشور را به‌عنوان یک ابزار در رقابت‌های منطقه‌ای با سعودی‌ها می‌بیند.

لبنان نیز یکی از مهم‌ترین جبهه‌های نفوذ ایران در خاورمیانه به‌شمار می‌رود. حزب‌الله لبنان که به‌عنوان یک گروه شبه‌نظامی و سیاسی شیعی شناخته می‌شود، با حمایت‌های ایران توانسته است در لبنان به‌عنوان یک نیروی تأثیرگذار حضور داشته

باشد. ایران از طریق حزب الله، علاوه بر تقویت نفوذ خود در لبنان، به مقابله با تهدیدات اسرائیل پرداخته است. حزب الله از نظر نظامی توانایی های بالایی دارد و در طول جنگ های مختلف، به ویژه در سوریه، از نیروی نظامی خود به عنوان ابزاری برای حمایت از منافع ایران در منطقه استفاده کرده است. ایران همچنین از حزب الله به عنوان یک نقطه تماس و تسلیحاتی برای تأمین امنیت مرزهای خود و مقابله با تهدیدات خارجی استفاده می کند. این گروه نه تنها در لبنان، بلکه در سوریه و عراق نیز فعال است و با کمک به تثبیت رژیم بشار اسد، ایران در مسیر تحقق هلال شیعی از تهران تا بیروت گام برداشته است.

در مجموع، ایران در عراق، سوریه، یمن و لبنان با استفاده از سیاست های نظامی، اقتصادی و فرهنگی تلاش کرده است تا نفوذ خود را در این کشورهای استراتژیک گسترش دهد. ایران با بهره گیری از هویت شیعی و حمایت از گروه های شیعه در این کشورها، در مقابل تهدیدات منطقه ای و بین المللی، به ویژه از سوی کشورهای غربی و عربستان سعودی، پاسخ داده است. این راهبردهای ایران نه تنها در راستای حفظ امنیت داخلی و منطقه ای این کشور بلکه به دنبال ایجاد یک هلال شیعی هستند که از ایران تا لبنان ادامه دارد و در برابر تهدیدات منطقه ای و جهانی یک جبهه مقاومتی را ایجاد می کند.

امنیت سازی هویت شیعی بر اساس مکتب کپنهاگ

امنیت سازی هویت شیعی در سیاست خارجی ایران، به ویژه در خاورمیانه، یکی از مفاهیم پیچیده ای است که می تواند از منظر مکتب کپنهاگ تحلیل شود. این مکتب که یکی از رویکردهای برجسته در تحلیل مسائل امنیتی است، تأکید زیادی بر فرآیند اجتماعی امنیت سازی و سیاسی کردن تهدیدات دارد. مکتب کپنهاگ در تحلیل امنیت، بر این باور است که امنیت نه یک وضعیت ثابت و قطعی، بلکه یک فرآیند اجتماعی است که توسط دولت ها، نهادها و حتی گروه ها ساخته و پرداخته می شود.

در چارچوب مکتب کپنهاگ، امنیت سازی به معنای تغییر دادن تهدیدات به خطراتی است که باید مورد توجه قرار گیرند. این رویکرد همچنین از مفهوم امنیت سازی به عنوان فرآیندی اجتماعی و سیاسی استفاده می کند که در آن هویت های گروهی، مذهبی، قومی و ملی به عنوان تهدیدات یا فرصت های امنیتی تلقی می شوند. در این راستا، هویت شیعی در سیاست خارجی ایران به عنوان یک تهدید یا یک فرصت امنیتی مطرح می شود که می تواند بر شکل گیری سیاست های امنیتی ایران تأثیر بگذارد.

ایران با تأکید بر هویت شیعی، در تلاش است تا امنیت خود را نه تنها در سطح داخلی بلکه در سطح منطقه ای نیز تأمین کند. هویت شیعی به ویژه در روابط ایران با کشورهای خاورمیانه و در تعاملات ایران با گروه های شیعه در عراق، سوریه، لبنان و یمن نقش برجسته ای دارد. ایران از این هویت به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به اقدامات خود در سطح

داخلی و بین‌المللی استفاده کرده است. در چارچوب مکتب کپنهاگ، این فرآیند می‌تواند به‌عنوان یک اقدام امنیت‌ساز در نظر گرفته شود که با تغییر شرایط و ارزیابی تهدیدات، هویت شیعی را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده در امنیت‌سازی در نظر می‌گیرد.

امنیت‌سازی هویت شیعی در ایران به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ تشدید شد. در این دوران، جمهوری اسلامی ایران هویت شیعی را نه تنها در داخل کشور بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی به‌عنوان یک عامل قدرت مطرح کرد. ایران از طریق ترویج ایدئولوژی شیعی و حمایت از گروه‌های شیعه در کشورهای مختلف، به‌ویژه در عراق، سوریه و لبنان، به دنبال تأسیس یک هویت مقاومت‌محور است که می‌تواند در برابر تهدیدات خارجی از جمله تهدیدات اسرائیل و آمریکا مقاومت کند.

در تحلیل مکتب کپنهاگ، هویت شیعی ایران به‌عنوان یک عامل امنیت‌ساز مطرح می‌شود که باعث می‌شود این کشور به‌طور مداوم در صدد امنیت‌سازی منطقه‌ای باشد. به‌ویژه در کشورهای شیعه‌نشین یا کشورهایی که گروه‌های شیعه در آن‌ها حضور دارند، ایران به‌دنبال گسترش نفوذ خود از طریق حمایت‌های سیاسی و نظامی است. این استراتژی در سوریه، عراق و لبنان به‌طور مشخص قابل مشاهده است، جایی که ایران به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از دولت‌ها یا گروه‌های شیعه حمایت کرده است.

در مکتب کپنهاگ، امنیت‌سازی از طریق هویت شیعی نه تنها به‌عنوان یک دفاع از منافع ملی بلکه به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه در برابر تهدیدات جهانی تحلیل می‌شود. ایران با تقویت هویت شیعی و حمایت از گروه‌های شیعه در خارج از مرزهای خود، در تلاش است تا از بحران‌ها و تهدیدات احتمالی پیشگیری کند و به‌نوعی تهدیدات خارجی را به تهدیدات داخلی تبدیل کند که باید در چارچوب امنیت ملی تحلیل شوند.

در نهایت، تحلیل امنیت‌سازی هویت شیعی در ایران از منظر مکتب کپنهاگ نشان می‌دهد که این فرآیند یک اقدام مستمر است که در آن هویت شیعی از طریق ابزارهای مختلفی از جمله سیاست‌های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی به‌عنوان عامل ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و در چارچوب منافع ملی ایران در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد می‌تواند به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی ایران در خاورمیانه تحلیل شود.

نتایج و جمع‌بندی

در جمع‌بندی این پژوهش، می‌توان به‌طور کلی تأثیر هویت شیعی بر راهبردهای امنیتی ایران در خاورمیانه را از ابعاد مختلف تحلیل کرد. پژوهش حاضر نشان داد که هویت شیعی به‌عنوان یک عامل مؤثر در امنیت‌سازی ایران در سطح

داخلی و منطقه‌ای عمل کرده است. در این راستا، ایران از هویت شیعی به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به سیاست های داخلی و خارجی خود، تقویت موقعیت امنیتی و مقابله با تهدیدات خارجی استفاده کرده است.

ایران پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، هویت شیعی را به عنوان عنصری مرکزی در سیاست های داخلی و خارجی خود قرار داد. این هویت نه تنها به عنوان یک جزء اساسی در استراتژی های امنیتی ایران، بلکه به عنوان عامل برقراری پیوندهای عاطفی و ایدئولوژیک با کشورهای و گروه های شیعه در منطقه، نقش برجسته ای ایفا کرده است. در سال های اخیر، به ویژه در دهه های ۲۰۱۰ و ۲۰۲۰، ایران به طور فعال از این هویت برای ایجاد شبکه های متحد و تأسیس جبهه های مقاومت در برابر تهدیدات منطقه ای و جهانی بهره برده است. این سیاست ها عمدتاً به ویژه در کشورهای شیعه نشین مانند عراق، سوریه، لبنان و یمن مشاهده می شود.

از سوی دیگر، این پژوهش نشان داد که ایران از هویت شیعی نه تنها به عنوان یک عامل قدرت نرم در سیاست خارجی خود استفاده کرده، بلکه در زمینه های امنیتی و نظامی نیز به کارگیری این هویت به عنوان ابزار مشروعیت بخشی به اقدامات نظامی و امنیتی خود در منطقه، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این راستا، ایران در کشورهای مختلف خاورمیانه با حمایت از گروه های شیعه مانند حزب الله لبنان، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن، تلاش کرده است تا به واسطه این گروه ها، تهدیدات منطقه ای را کاهش دهد و در عین حال به ایجاد یک نظم امنیتی به نفع خود در منطقه بپردازد.

یک نکته اساسی که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، این است که امنیت سازی هویت شیعی در ایران نه تنها از طریق تقویت جنبه های نظامی و امنیتی صورت گرفته، بلکه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز در این فرآیند دخیل هستند. ایران با استفاده از هویت شیعی به عنوان یک عامل اتحاد در میان گروه ها و ملت های منطقه، توانسته است ظرفیت های اقتصادی و سیاسی خود را در کشورهای هدف تقویت کند. این سیاست ها منجر به ایجاد وابستگی های استراتژیک در سطح منطقه ای و بین المللی شده است که به طور مستقیم در امنیت ملی ایران تأثیرگذار است.

از دیگر نتایج این تحقیق می توان به تأکید بر استمرار و رشد این فرآیند امنیت سازی اشاره کرد. به نظر می رسد که ایران به طور مداوم از هویت شیعی به عنوان ابزاری برای مقابله با تهدیدات جهانی و منطقه ای استفاده خواهد کرد. با توجه به شرایط پیچیده جغرافیای سیاسی و رقابت های منطقه ای، ایران احتمالاً تلاش های خود را برای گسترش نفوذ منطقه ای و افزایش توانایی های امنیتی خود در کشورهای هدف ادامه خواهد داد.

در نهایت، پژوهش حاضر تأکید می کند که امنیت سازی هویت شیعی در ایران به عنوان یک فرآیند اجتماعی و سیاسی، به طور مستقیم به سیاست های امنیتی و استراتژیک ایران در خاورمیانه و جهان مربوط است. این روند نه تنها به عنوان یک ابزار برای مقابله با تهدیدات خارجی و داخلی عمل کرده، بلکه به عنوان یکی از ارکان اساسی سیاست های منطقه ای و بین المللی ایران شناخته می شود. در این زمینه، ایران توانسته است از هویت شیعی به عنوان یک عامل قدرت و

مشروعیت‌بخشی در عرصه‌های مختلف، از جمله در مقابله با تهدیدات تروریستی، رقابت‌های ایدئولوژیک و منافع ژئوپولیتیک بهره‌برداری کند.

در مجموع، بررسی‌های این پژوهش نشان داد که هویت شیعی در سیاست‌های امنیتی ایران یک عنصر کلیدی است که تأثیرات آن در امنیت‌سازی و تأمین منافع ملی این کشور در خاورمیانه از اهمیت بالایی برخوردار است.

منابع فارسی

۱. خمینی، روح‌الله (۱۳۵۸). ولایت فقیه: حکومت اسلامی. انتشارات امام خمینی.
۲. طباطبایی، علی (۱۳۹۲). سیاست ایران در خاورمیانه: رویکردی به امنیت و هویت. فصلنامه سیاست خارجی، ۲۳(۱)، ۶۸-۴۵.
۳. علاقه، جمیل (۱۳۸۵). شیعه و حزب‌الله: مطالعه‌ای از تأثیرات ایران. مجله مطالعات روابط بین‌الملل خاورمیانه، ۱۰(۳)، ۴۵-۲۵.
۴. حسینی، سجاد (۱۳۹۴). استراتژی ایران در خاورمیانه: تحلیلی بر روابط ایران و گروه‌های شیعی. فصلنامه روابط بین‌الملل، ۲۲(۴)، ۵۸-۸۰.
۵. احمدی، علی (۱۳۹۰). هویت شیعی و نقش آن در سیاست‌های خارجی ایران. انتشارات دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

1. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). Security: A New Framework for Analysis. Lynne Rienner Publishers.
2. Buzan, B. (2008). People, States, and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era. Lynne Rienner Publishers.
3. Hosseini, S. (2015). Iran's Strategy in the Middle East: A Study of the Regional Influence of Shiite Identity. Journal of Middle Eastern Politics, 23(4), 56-72.
4. Khomeini, R. (1979). Islamic Government: Governance of the Jurist.
5. Tabatabai, A. (2013). Iran's Policy toward the Middle East: A Strategic Approach to Security and Identity. Middle East Policy, 20(1), 15-34.
6. Alagha, J. (2006). The Shia and Hezbollah: A Study of Iran's Influence. Middle Eastern Studies, 42(2), 37-56.
7. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). Security: A New Framework for Analysis. Lynne Rienner Publishers.
8. Williams, M. C. (2003). "Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics." International Studies Quarterly, 47(4), 511-531.
9. Lipman, M. (2006). Islamic Iran and the West: An Analysis of the Security Strategies. Cambridge University Press.
10. Jafarzadeh, M. (2013). Iran's Policy in the Middle East: The Role of Shiite Identity in Shaping Regional Strategies. Tehran University Press.

11. Keddie, N. R. (2003). *Modern Iran: Roots and Results of Revolution*. Yale University Press.
12. Maleki, A. (2017). *Iran and the Arab World: Shia Identity and Security in the Middle East*. Routledge.
13. Gause, F. G. (2010). *The International Politics of the Middle East*. Oxford University Press.
14. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.
15. Williams, M. C. (2003). "Words, Images, Enemies: Securitization and International Politics." *International Studies Quarterly*, 47(4), 511-531.
16. Balzacq, T. (2005). "The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context." *European Journal of International Relations*, 11(2), 171-201.
17. Kaldor, M. (2013). *New and Old Wars: Organized Violence in a Global Era*. Stanford University Press.
18. Tufi, S. (2017). "De-securitization and the Role of Religion in International Relations." *International Relations*, 31(4), 460-478.
19. Maleki, A. (2017). *Iran and the Arab World: Shia Identity and Security in the Middle East*. Routledge.
20. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.
21. Khomeini, R. (1979). *Islamic Government: Governance of the Jurist*.
22. Tabatabai, A. (2013). Iran's Policy toward the Middle East: A Strategic Approach to Security and Identity. *Middle East Policy*, 20(1), 15-34.
23. Alagha, J. (2006). *The Shia and Hezbollah: A Study of Iran's Influence*. *Middle Eastern Studies*, 42(2), 37-56.
24. Abdo, G. (2015). *The Shi'a Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. Oxford University Press.
- Mabon, S. (2013). *Saudi Arabia and Iran: Power and Rivalry in the Middle East*. I.B. Tauris.
25. Nasr, V. (2006). *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. W.W. Norton & Company.
26. Vali Nasr, S. (2015). *The Dispensable Nation: American Foreign Policy in Retreat*. Doubleday.

27. Fawcett, L. (2013). *International Relations of the Middle East*. Oxford University Press.
28. Buzan, B., Wæver, O., & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Lynne Rienner Publishers.
29. Buzan, B., & Wæver, O. (2003). *Regions and Powers: The Structure of International Security*. Cambridge University Press.
30. Alagha, J. (2006). The Shia and Hezbollah: A Study of Iran's Influence. *Middle Eastern Studies*, 42(2), 37-56.
31. Mabon, S. (2013). *Saudi Arabia and Iran: Power and Rivalry in the Middle East*. I.B. Tauris.
32. Abdo, G. (2015). *The Shi'a Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. Oxford University Press.
33. Nasr, V. (2006). *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*. W.W. Norton & Company.

Abstract

This article analyzes the impact of Shiite identity on Iran's security strategies in the Middle East during the period 2014-2019. Given regional developments and numerous security threats, Iran has attempted to use Shiite identity as a tool to secure itself and expand its regional influence. The emergence of Takfiri and religious extremist groups such as ISIS, the intensification of regional rivalries between Iran and Saudi Arabia, civil wars in Iraq, Syria, and Yemen, and the increasing presence of Shiite non-state actors in the region have prompted Iran to use Shiite identity as a tool to ensure national security and increase its regional influence. From the perspective of the Copenhagen School, which views security as a social and political process, this study analyzes how Iran has used Shiite identity to legitimize its security policies. The results of this study show that by supporting Shiite groups in Iraq, Syria, Lebanon, and Yemen, Iran has been able to strengthen its security and political position in the region while confronting regional and global threats. This article also examines the effects of these policies on Iran's relations with Sunni Arab countries and the West, and shows that Shiite identity has served as a strategic tool in Iran's foreign and security policy.

Keywords: Shiite identity, security-building, Iran's security strategies, Middle East, Copenhagen School.